



اساس سوسیالیسم انسان است
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

۲۱۶

برای

یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

۱۳۹۰ مرداد ۲۶ - ۲۰۱۱ اوت ۱۷

چهارشنبه ها منتشر میشود

e.mail: siavash_d@yahoo.com

سردبیر: سیاوش دانشور

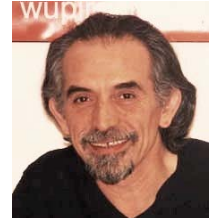
۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام را

به روز جهانی علیه اعدام و رژیم اسلامی ۱۰۰ هزار اعدام تبدیل کنیم!

پیامدهای سیاسی بحران سرمایه داری

گفتگو با هیات داور حزب

آذر ماجدی، علی جوادی، سیاوش دانشور، جلیل بهروزی



یادداشت سردبیر،

سیاوش دانشور

زندانی،

خاوران، اینروزها!

واژه زندانی شاید برای نسل جدید همان معنایی را نداشته باشد که برای نسل بخون کشیده انقلاب ۵۷. مقاومت و قهرمانی و مبارزه و تسلیم نشدن در اوضاع امروز همانی نیستند که در دوره ای که انقلاب به مسلخ برده میشد بودند. شکاف نسلی و ویژگیهای امروز جامعه قرن بیست و یکمی ایران، که در تناقض خردکننده اسلام و سرکوب و جنگ و مقاومت بسر میبرد، شاید المنتهای از دوره های پیشین را در خود دارد اما همان نیست که نسل انقلاب ۵۷ تجربه کرد. نه افکار و عقاید و روشهای مبارزه همانند و نه حکومت اسلامی همان است. نه مردم و طبقه کارگر و جنبشهای اجتماعی و نه حکومت ادامه سیر خطی آن دوران نیستند.

زندانی و خاوران برای ما بازماندگان یک کشتار عظیم قرن بیستم، امروز را به گذشته وصل میکند اما برای نسلی که میخواهد جنگش را با این رژیم به فرجام برساند تنها یک تاریخ است. اینکه ضروری است و باید از این تاریخ درس گرفت و آموزه ها و دستاوردهای آن را در جبهه های نبرد طبقاتی امروز بکار بست تردیدی نیست. اما اینکه با همان توشه و روشها و تجارب میتوان در جنگ امروز پیروز شد جای تردید جدی هست. در فرهنگ و روش زندگی و نگرش نسل امروز، در خصوصیات و مؤلفه های جنبشهای درگیر در جامعه امروز ایران، تفاوتها بسیار بیشتر از شباهتها به آن دوران است. مفاهیم و ارزشها و ضد ارزشها یکی نیستند. آنچه بر ذهن و روان نسل قبل سنگینی قابل توجه ای دارد برای نسل جدید و جنبش اعتراضی امروز همان جایگاه را دارا نیست، و متقابلاً آنچه

صفحه ۲

آمار رکود اقتصادی سرمایه در اروپا:

22 میلیارد یورو ضرر در یک هفته!



صفحه ۹

فرشاد مجد

جوانی: جرم! زن: جرم!

ماهواره: جرم! زندگی: جرم!

صفحه ۱۰

نازنین اکبری

کارگران شرکت جلوه گاه ساخت رویا

یا کاهش دستمزدها یا اخراج!

شرکت سرو مشرق زمین

عقب نشینی کارفرما، بازگشت به کار کارگران اخراجی!

کارگران شرکت موج آسا

اضافه کاری تیر ماه معوق!

کارگران شرکت توسعه

معادن

۳ ماه دستمزد معوق

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زندانی،

خاوران، اینروزها ...

نسل مدرن انقلاب ۵۷. هر کسی هر چیزی در نكوهش نداشتن حافظه تاریخی بگوید یا نه، این نسل ناچار است راهش را در چهارچوب امروز بیاید و آینده اش را براساس افقی روشن و مبتنی بر مولفه های دنیای امروز تبیین کند.

هیچوقت به قهرمانی و اسطوره و اساسا اسطوره سازی اعتقاد نداشتیم. این مقولات در همان انقلاب ۵۷ که در ابعاد میلیونی نسل آندوره را به میدان سیاست پرتاب کرد و بر زندگی و آینده آنها تاثیرات اساسی گذاشت، اجتماعا نقد شدند. وقتی زندانی در آندوره برخلاف دوره شاه، صرفا الیت سیاسی و دانشجویان و تحصیلکردگان اقشار ناراضی میانی نیستند، و عبارتی زندانی شدن و زندانی و اعدامی داشتن به معضل بخش بزرگی از مردم تبدیل میشود، دیگر عبارات و اسطوره های قدیمی کفایت توضیح این پدیده را ندارند. و امروز بسیار جالب تر است. کمتر جوانی هست که چند بار زندان نرفته باشد. خیلی ها وقتی در یک حرکت شرکت میکنند، خود را برای دستگیری و چگونگی رها شدن و شرکت مجدد آماده میکنند. زندان دارد به یک داده و یک ایستگاه موقت در مسیر تلاش علیه جمهوری اسلامی تبدیل میشود. زندان و زندانی سیاسی مفهوم الیتستی دوره های پیشین را از دست میدهد و این نشان گسترش ابعاد اعتراض اجتماعی و عوض شدن خصوصیات مقاومت و تلاش علیه ارتجاع اسلامی امروز است.

در این دقایق که مشغول نوشتن این متن هستم مرتبا اخبار اعدام در شهرهای مختلف و دستگیری و شکنجه علنی خیابانی را مشاهده میکنم. هنوز بعنوان یک جامعه اسیر شده در منگنه اختناق و اسلام و سرمایه قربانی میدهیم. اما هنوز جنگ و مقاومت ادامه دارد. هنوز در چهره قاتلین و میرغضب ها ترس و وحشت قابل مشاهده است و چه دلیلی روشن تر از همین نمایشات خیابانی اعدام و

رسمی و اخبار مهم میرساند. و جالب اینجاست که همزمان ارايه اعدام با میرغضب های بی جریزه و ماسک دار نمایش قدرت و سبعت میدهد. در آندوران برای تحمیل حجاب جنایتی مرتکب شدند که در تاریخ بی سابقه است. امروز که در خیابانها زنان را بخاطر "بدحجابی" تیغ میزنند و حتی هر منتقد نرم و اسلام زده قوانین آپارتاید را تحمل نمیکند، در خیابانها و مجالس و در سطح جامعه "دیگر قبول نمیکنیم" رژه میرود. زمانی رهبران جنبش شورائی کارگری و فعالین جنبش کارگری را دسته دسته کشتند و شوراهاشان را "مالیندند" و آواره شان کردند، امروز کارگر معترض و جنبش کارگری در فقری بمراتب شدیدتر و قوانینی بشدت دست و پاگیرتر در اعتصاب و اعتراض روزمره علیه سرمایه و حکومتش فراخوان میدهد. همه چیز جامعه امروز با وجود



حکومت اسلامی و استحکام دستگاه سرکوب اش متفاوت است. آنزمان در زندان بعنوان مرکز ثقل قدرت حکومت بالاترین حد اختناق حاکم بود، امروز با تمام شکنجه و روشهای غیر انسانی "مدرنی" که علیه زندانی بکار میبرند، زندان و زندانی یک جبهه دیگر مبارزه و حرف زدن و گردن نگذاشتن است. گویی دیگر زندان کاربرد کلاسیک اش را از دست داده است. جنگ نابرابر هنوز ادامه دارد. این نسل به جنگ آمده است و برخ کشیدن شمه هائی از گذشته نمیتواند ساکتش کند. وقایع انقلاب ۵۷ برای نسل امروز شباهت زیادی دارد به دوران مصدق و ماجرای ۲۸ مرداد برای

کودتائی عظیم و خلق "تف آبادها" و "لعنت آبادها" و خاوران ها قابل توضیح نیست. عکسهائی که امروز در خاوران مشاهده میشود سملها و نمونه های یک کشتار وسیع اند. یک تفاوت امروز و آندوره اینست که زندانی بدون محاکمه و یا در بیدادگاهی دو سه دقیقه ای و بخشا با شلاق و بدون کوچکترین موازین ظاهری و فرمال حقوقی به اعدام و یا محکومیتهای طولانی محکوم میشود. در موارد زیادی اعدامیها حتی محاکمه نشده بودند و در سال ۶۰ فاصله دستگیری و اعدام شاید ساعاتی

از اهمیت و اولویت در تفکر و حرکت نسل امروز برجسته است مکان چندانی در دیدگاه و تجربه نسل سیاسیون انقلاب ۵۷ ندارد. این مسائل که شاید بیشتر قلمرو جامعه شناسی سیاسی است و بررسی آن در تعیین روش و سبک کار و زبان تبلیغ و نوع سازمانگری و ارجاع به گذشته و هموار کردن مسیر حال و آینده اهمیت جدی دارند، دستکم این اعلام خطر را میکند که دچار نسنالزی و اسارت در گذشته نشویم و شکاف نسلی را به شکاف سیاسی غیرقابل پرکردن تبدیل نکنیم.

بعنوان یک بازمانده کشتارهای جمهوری اسلامی و بعنوان کسی که با زندانیان زیادی در لحظه آخر وداع کرده است و هنوز صورت عزیزشان در مقابل چشمانم هستند، در روزهای شهریور غمی عمیق سراپای فکر و جانم را درمینوردد. زندان و زندانی برای امثال من از یکسو یادآور چهره های منحوس لاجوردی، داود رحمانی، زندان اوین و گوهر دشت و قزلحصار و سلولهای انفرادی و گاودانی و تابوت و دهها و صدها مکان و چهره خونخوار و بیرحم و بی عاطفه و قصی القلب است. از سوئی یاد آور نسلی از فهیم ترین الیت سیاسی جامعه ایران است که دهها نفر از این سران و کاربدستان و متفکرین و شبه تئورسین های امروز جمهوری اسلامی به گرد پای یکی شان نمیرسید. کسانی که با هر روایتی که از آزادی در زمانه خود داشتند و هر کمبودی بر نگرش و عمل و پراتیک شان در یک تحول انقلابی حاکم بود، اما در یک رنج تاریخی سنگر مقاومت و مقابله با ارتجاع زمانه بودند. جمهوری اسلامی روی دوش کشتار این نسل بپا شد. جمهوری اسلامی بدون برپائی چوبه های دار و میدانهای تیرباران و ترورهای خیابانی و

زندانی، خاوران، اینروزها ...

شکنجه!

اینروزها در خاوران سرود سوسیالیسم میخوانند، علیه اعدام سخن میگویند، آزادی زندانیان سیاسی را مطرح میکنند، زندانیان سیاسی اسم و نامشان در مجامع جهانی ثبت است، آنروزها ما زندانیان و نسل کشتار شده انقلاب ۵۷ از گمنامان بودیم. گفتم به قهرمانی و قهرمان پروری و اسطوره پردازی هیچ وقت باور نداشتم. چون فکر میکنم مقوله زندانی و مقاومت و غیره را باید در ظرفیتهای غیر ایدئولوژیک و اجتماعی مانند هر موضوع و واقعه دیگر در متن چهارچوبها و مقدمات تاریخی بررسی و تبیین کرد. با اینحال هیچ مبارزه و تلاش و مقاومت و جنگی بدون قهرمانی های فردی و جمعی پیش نرفته است. بخون خفتگان در خاوران و خاوران ها و نسل انقلاب ۵۷، علیرغم هر نقد امروز به دیدگاه و سنت سیاسی و محدودیتهای آندوران، صحنه های بزرگی از تلاش و مقاومت و قهرمانی و دفاع از اصول خلق کردند. بدون تردید جنگ نسل امروز با تمام خود ویژگیهایش تا هم اکنون صحنه های شگفت انگیزی خلق کرده است و پیروزی اش در گرو شناخت معضلات امروز و پاسخ روشن به آنست. آنچه امروز را به گذشته و امروز را به آینده وصل میکند، آرمانها و آرزوهای دیرینه بشر و تلاش برای آزاد زیستن است. ما موظفیم و باید تاریخ جنایت علیه مردم را زنده نگاه داریم تا روزی حقیقت روشن شود و جامعه بتواند از آن دوران وحشت عبور کند. روز پیروزی این پرده سنگین و تاریک را کنار خواهیم زد. با برپائی مراسمهای تجلیل و بزرگداشت از عزیزان مان که در جنگی نابرابر جانباختند، به آینده آزاد و بدون اعدام و بدون زندانی متعهد میشویم. اما نسل امروز برای پیروزی باید مثل هر جنبش پیشرو چکامه اش را از آینده بگیرد.

یاد جانباختگان گرامی باد!

*اولین بار در شماره ۱۵ نشریه یک دنیای بهتر مورخه ۵ سپتامبر ۲۰۰۷ - ۱۴ شهریور ۱۳۸۶ منتشر شد.

۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام را

به روز جهانی علیه اعدام و رژیم اسلامی ۱۰۰ هزار اعدام تبدیل کنیم!

۱۰ اکتبر (۱۸ مهر) روز جهانی علیه مجازات اعدام است. ۱۰ اکتبر را به روز اعتراض جهانی علیه اعدام و رژیم صد هزار اعدام، رژیم اوین و گوهردشت و خاوران و کهریزک تبدیل کنیم.

اعدام یک جنایت سازمان یافته طبقه حاکم، یک قتل عمد دولتی است. اعدام یک ابزار طبقات حاکم و رکن اصلی حاکمیت رژیم اسلامی برای کنترل و به انقیاد در آوردن جامعه و مردم معترض است. کشتن عامدانه و گرفتن حق حیات انسانها، به هر دلیل و بهانه ای، حق هیچ دولت و قدرت و نیرویی نیست. یک رکن تلاش ما برای برپایی نظامی آزاد، برابر، مرفه و انسانی، یک جامعه آزاد کمونیستی، مبارزه قاطع بمنظور برچیدن بساط شنیع اعدام، لغو مجازات اعدام و دستگاه حبس و زندان سیاسی در جوامع بشری است.

رژیم اسلامی، حکومت بیش از صد هزار اعدام و بیش از سه دهه کشتارهای تکان دهنده و گورهای دسته جمعی است. خرداد ۶۰ و شهریور ۶۷ نمونه های سیاه عملکرد این دستگاه جنایت و آدمکشی اسلامی است. از این رو مبارزه برای لغو مجازات اعدام در جهان، نمیتواند بدون سازمان دادن مبارزه ای همه جانبه علیه رژیم اسلامی صد هزار اعدام در ایران به پیش برده شود. باید در این روز جمهوری اسلامی را در پیشگاه افکار عمومی مردم جهان به محاکمه کشید. باید جهان یکصدا رژیم طالبانهای ایران را با تمام باندها و جناحهایش محکوم کند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری ۱۰ اکتبر را روز مبارزه با اعدام و حکومت سمیل اعدام، یعنی حکومت اسلامی اعلام میکند. حزب از تمامی کارگران، نیروهای آزادیخواه و برابری طلب و انساندوست میخواهد که در این روز متحدانه علیه اعدام و رژیم اسلامی اعدام به میدان بیایند. این روز را باید به روز اعتراض عمومی علیه رژیم اسلامی تبدیل کرد. این روز تریبون بشریتی است که برای رهایی از بربریت تلاش میکند. در اینروز باید تظاهراتها و میتینگهای بزرگی در نقد و افشای مجازات اعدام و رژیم صد هزار اعدام در خیابانها و سالنهای اجتماعات برگزار شود. مبارزه برای "توقف مجازات اعدام" و لغو آن، باید با خواست مشخص و فوری؛ لغو تمامی احکام اعدام صادر شده توسط رژیم اسلامی، و برچیدن چوبه های دار و تلاشی عظیم برای بزیر کشیدن رژیم جمهوری اسلامی گره بخورد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۶ مرداد ۱۳۹۰ - ۱۶ اوت ۲۰۱۱

نه به اعدام!

"آیا لازم نیست در مورد وسایل تغییر آن نظامی که تمامی این جنایات را تولید میکند، عمیقاً اندیشید؛ تا اینکه آهنگ ستایش در باره جلاد سردهیم؛ همان جلادی که با اعدام یکدسته از جنایتکاران؛ جا را برای افراد بعدی باز میکند؟"

کارل مارکس



جوانانی که ظاهر آسیایی یا آفریقایی دارند، بویژه از سال 2001 به بهانه مبارزه با تروریسم، مدام مورد بازرسی بدنی قرار می گیرند. بعضا روزی چند بار پلیس آنها را متوقف کرده، به سمت دیوار هولشان می دهد و بازرسی بدنی شان می کند. این تحقیر نمکی است که بر زخم محرومیت و فقر پاشیده می شود.

این شرایط، این فقر و محرومیت، تبعیض و تحقیر است که عصیان و شورش نسل جوان در این مناطق را موجب شده است. همانگونه که جوان دستفروش تونس را به خودسوزی کشاند. مساله اینجاست که بورژوازی و سنگویش، برای کسی که دست به خودسوزی می زند، اشک تمساح می ریزند، اما برای کسانی که بخود اجازه می دهند به ساحت "مقدس" سرمایه و مالکیت حمله کنند، مجازات سنگین، زندان و محرومیت باز هم بیشتر را تجویز می کند. این ماهیت ضد انسانی و ریاکار بورژوازی است.

قتل مایک داگن توسط پلیس حکم کبریتی داشت که خشم فروخته هزاران جوان و نوجوان و بعضا کودک را به عصیان و شورش بدل کرد. همانگونه که خودسوزی جوان تونس مردم کارگر و زحمتکش تونس را به خیابانها کشاند. بورژوازی و دولتش هر نوع ربطی میان این شورش ها و خیزش توده ای در خاورمیانه و آفریقای شمالی را منکر می شوند. در حالیکه خود خوب می دانند که ربطی مستقیم میان تمام این وقایع

صفحه ۵

پیامدهای سیاسی بحران سرمایه داری

گفتگو با هیات دائر حزب

آذر ماجدی، علی جوادی، سیاوش دانشور، جلیل بهروزی

روز بعد در مقابل اداره پلیس تجمع می کنند و خواهان اجرای عدالت می شوند. این اعتراض آرام سرعیا به یک شورش گسترده بدل می شود. مغازه ها به آتش کشیده می شود و به همراه آنها بعضی از آپارتمانهای مردم نیز به آتش کشیده می شود. جوانان به مغازه ها می ریزند و دست به غارت می زنند. پلیس در این زمان دخالت فعالی برای اجتناب از گسترش شورش انجام نمی دهد.

در عرض چهار پنج روز آتش شورش به محلات دیگری از لندن، از جمله هکنی، انفیلد، پک و کرویدون سرایت کرد. لازم به اشاره است که تمام این مناطق، مناطق محروم و فقیر نشین با جمعیت عمدتا سیاه پوست یا مهاجر آسیایی هستند (جوانان شورشگر عمدتا متولد انگلستان هستند، اما از نظر قومی - نژادی به این گروه ها منتسب می شوند). شورش به لندن محدود نماند و شهرهای دیگر، نائینگهام، بیرمنگام، منچستر و لیورپول نیز کشیده شد.

اگر کسی ریگ ایدئولوژیک دفاع از سرمایه داری در کفش نداشته باشد، با یک نگاه حتی سطحی به شرایط زیست در این مناطق و موقعیت اجتماعی و اقتصادی آنها به این نتیجه می رسد که این شورش ها نتیجه خشم فروخته و استیصال انباشت شده نسلی است که جز محرومیت، تبعیض و تحقیر بهره دیگری از زندگی نداشته است. فقر دائمی، خانواده های از هم پاشیده بخاطر شرایط ناپسامان زندگی، مدارس بی امکانات، هر نوع امید به یک آینده انسانی را از آنها سلب کرده است. بسیاری حتی دوره تحصیلات اجباری را نیز طی نکرده اند. به این شرایط اذیت و آزار دائمی پلیس را نیز اضافه کنید، بمب اجتماعی ساخته می شود.

جنایتکار اشاره می کنند. بیش از یک هفته است که جامعه انگلیس سر در گریبان گرفته و بهت زده به این وقایع خیره شده است.

مساله اکنون دو بعد اصلی دارد: 1- چرا چنین شورش سر گرفت و چنین گسترش یافت؟ 2- برخورد خشن و سرکوبگرانه هیات حاکمه پس از فروکش کردن آشوب.

اگر دولت ریشه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شورش را منکر می شود، نه از ساده لوحی و سطحی بودن آن، بلکه بعلت هدف سیاسی - اقتصادی معینی است که دنبال می کند. دولت محافظه کار این جوانان عاصی و مستاصل را "ارازل و اوباش و جنایتکار" می خواند تا بتواند جامعه را منکوب کند، برنامه ریاضت کشی ارتجاعی اش را پیاده کند و سرمایه داری بحران زده را به هزینه طبقه کارگر و مردم محروم و زحمتکش از بحران نجات دهد. کلمات ارزل و اوباش بار ایدئولوژیک کاملا معینی دارند. این کلمات با یک هدف ایدئولوژیک مشخص به اینطرف و آنطرف پرتاب می شوند.

داستان چه بود؟ روز پنجشنبه 5 اوت پلیس به یک مرد سیاه پوست 29 ساله، پدر چهار کودک، شلیک می کند و او در جا جان می بازد. خیلی روشن است که شلیک با هدف کشتن بوده است. ابتدا پلیس ادعا می کند که قربانی اول شلیک کرده است و عمل پلیس دفاعی بوده است. خانواده قربانی بعلاوه چند صد نفر از مردم تاتنهام

یک دنیای بهتر: اعتراضات جوانان در انگلیس در چند دهه اخیر در این کشورها بی سابقه بوده است. رسانه های غربی تلاش میکنند این اعتراضات را شورش "ارادل و اوباش" قلمداد کنند. واقعیت کدام است؟ زمینه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این اعتراضات کدامند؟ به این واقعیت که بالاخره اماکن برخی از خود مردم محروم و زحمتکش هم مورد تعرض قرار گرفته است چگونه باید برخورد کرد؟

آذر ماجدی: اتفاقات هفته اخیر همه را غافلگیر کرد. چنین شورش وسیع و گسترده ای در تاریخ انگلستان بی سابقه است. پیش از این هم در برخی از این مناطق شورش هایی شکل گرفته است، بطور مثال در تاتنهام در ابتدای دهه 80 میلادی شورش علیه خشونت و راسیسم پلیس شکل گرفت. اما هیچگاه چنین اعتراضاتی به مناطق دیگر یا شهرهای دیگر سرایت نکرد. وسعت و میزان خشمی که شورشگران از خود بروز دادند باعث هراس هیات حاکمه شده است. رسانه ها همه می کوشند به یک سوال جواب دهند: چرا؟ علت اصلی چنین عکس العملی چیست؟

دولت و پلیس این وقایع را نتیجه سوء استفاده یک عده "ارازل و اوباش" جنایتکار قلمداد می کنند. رسانه های لیبرال متعلق به گرایشهای سیاسی مرکز و چپ مرکز می کوشند دلایل اجتماعی - اقتصادی برای این شورش بیابند. بعضا به برخی فاکتورهای اقتصادی و اجتماعی اشاره می کنند، بطور نمونه فقر و محرومیت مردم ساکن این مناطق و برنامه ریاضت کشی ای که دولت به تصویب رسانده است. اما اینها نیز سرعیا به عوامل

پیامدهای سیاسی بحران سرمایه داری ...



های جنایی و "اخلاقی" اش نیز رو می شود، باز به کارگران و مردم درس اخلاق و قانونگرایی میدهد. جالب اینجاست که اگر جوانان محروم در یک لحظه عصیان از خود بیخود شدند و شورش کردند، یک تلفن موبایل، یک کامپیوتر، دو تا بلوز یا چند بطری آب "غارت" کردند، این ریاکاران حاکم در روز روشن و با نقشه قبلی دزدی و جنایت کرده اند. این ماهیت جامعه سرمایه داری است. این مبارزه طبقاتی در عریان ترین شکل آنست.

یک دنیای بهتر: اعتراضات در اسرائیل به جهات بسیار دیگری نیز بی سابقه بوده است. بیش از سیصد هزار نفر در اعتراض به فقر و محرومیت اقتصادی دست به اعتراض فعال در چند شهر مهم اسرائیل زده اند. جامعه ای که گویا در آن تضاد طبقاتی و اجتماعی موجود نیست، مساله تماما قوم یهود است، به یکباره بر سر فقر و فلاکت اقتصادی به میدان آمده است. اهمیت این اعتراضات چیست؟ زمینه های سیاسی و اجتماعی آن کدام است؟ این اعتراضات چه تاثیری بر تخصیصات دیرینه منطقه میگذارد؟

علی جوادی: آنچه در شرف وقوع است در نوع خود واقعا دیدنی و هیجان انگیز است. در این زمینه باید به چند نکته اشاره کرد:

۱- معمولا حتی در تحلیل بسیاری از نیروهای چپ سنتی منتقد دولت اسرائیل این جامعه یک جامعه یکدست و بدون تضاد و شکاف طبقاتی ارزیابی شده است. جامعه ای که گویا در آن همگان، اعم از کارگر و سرمایه، دارای منافع مشترک و یکسانی هستند و دولت اسرائیل در هر دوره نماینده طبقات مختلف جامعه است. اداره کننده امور جامعه است. منفعت خاص طبقه سرمایه را نمایندگی نمیکند. چنین تئوری مسلمانان کوچه‌نشین با مارکس و مارکسیسم ندارد. تئوریهی تماما بورژوا - ناسیونالیستی است. خواسته یا ناخواسته در جهت منافع طبقه و نیروی حاکم در جامعه اسرائیل عمل میکند. اما اعتراضات اخیر در این جامعه تمام این تحلیل های پوچ و سطحی و بورژوا -

تلگراف هم درآمده بود. دلایل آنچنان روشن است که حتی مجله اکونومیست هم در انکار کامل آنها دولت را مورد نقد قرار داده است. اما مساله این نیست که حقیقت کدامست؟ یا عدالت چیست؟ مساله پیمایی است که بورژوازی دارد به کارگران و مردم محروم می دهد: "خفه شوید! همین است که هست! باید بسوزید و بسازید! صدایتان هم درآید، با چماق به سراغتان خواهیم آمد!"

این احکام و پیغام اخلاقی حکومت در شرایطی بر سر مردم ریخته می شود که کل هیات حاکمه اسکاندال پشت اسکاندال را از سر گذرانده اند. یک سال و نیم پیش سر و صدای دزدی و کثافت کاری نمایندگان پارلمان درآمد. اکثریت بزرگ این نمایندگان در اعلام هزینه های خود حساب سازی کرده اند. از چند هزار پوند تا 30 هزار پوند پول بالا کشیده اند. اینها که باصطلاح باید "نمونه" اخلاق و قانونگرایی باشند در روز روشن برای دزدی از صندوق مردم توطئه کرده اند. نام دیوید کامرون و گوردون براون نیز در لیست این نمایندگان دزد قرار داشت.

سپس اقتضای سیاسی همکاری و رشوه گرفتن مالی و تبلیغاتی بخش بزرگی از هیات حاکمه، از جمله دو رئیس پلیس، نخست وزیر فعلی و سابق از امپراطوری رسانه ای روپرت مرداک به روزنامه ها کشید. هر روز بخش کثیف تری از این توطئه رسانه ای - حکومتی رو می شود. اما بورژوازی آنچنان وقیح است که حتی وقتی کثافت و آلودگی

وجود دارد. مردم در هر گوشه ای، بنا به شرایط اجتماعی، سیاسی محیط شان، بنوعی خشم خود را بروز دادند. نسل جوان محروم بی آینده مناطق محروم انگلستان نیز با شورش، به آتش کشیدن و غارت خشم خود را علیه نظم سرکوبگر موجود بیان کردند.

البته همانگونه که در مورد خاورمیانه و ایران در دو سال پیش هم صدق می کرد، تکنولوژی جدید نقش مهمی در گسترش این حرکات داشت. فیس بوک، توئیتر، تلفن های موبایل و تکست مسج ابزاری است که نسل جوان برای ارتباط گیری استفاده می کند. در دو سه سال اخیر نقش مهم این ابزار به اثبات رسیده است.

دولت دست راستی بریتانیا پس از خاموش شدن شورش، دستور سرکوب خشن به پلیس و سیستم قضایی داده است. نزدیک به دو هزار نفر دستگیر شده اند. دادگاه ها شبانه روزی کار می کنند و مجازات سنگین و بی سابقه برای این جوانان تصویب می کنند. یک دانشجوی برای "غارت" چند بطری آب به قیمت 3 پوند و نیم 6 ماه زندان گرفته است. جوان دیگری بعثت فحش دادن به پلیس 6 ماه حکم گرفته است. و امروز روزنامه ها نوشتند که دو جوان بیست ساله و بیست و دو ساله بخاطر درست کردن یک صفحه در فیس بوک که مردم را به شورش دعوت می کرد، هر یک به 4 سال زندان محکوم شده اند. جالب اینجاست که این دو شورش هیچکدام سر نگرفته است. یعنی این دو جوان به جرم "جنایت" انجام نشده محکوم به زندان شده اند.

احکام آنچنان خشن است که حتی صدای روزنامه دست راستی دلیلی

ناسیونالیستی را تا همینجا در هم شکسته است. جایی برای تداوم این عومفریبی باقی نگذاشته است. جامعه اسرائیل هم مانند تمام جوامع تاکنونی موجود جامعه ای طبقاتی است. کار و سرمایه در این جامعه در جدالی دائم و به قول مانیفست کمونیست گاه آشکار و گاه پنهان اما همواره جاری است. این اعتراضات مهر پایانی بر افسانه "قوم یهود" که گویا همگی از یک جنس و دارای آمال و افق های یکسانی هستند، زده است.

۲- اعتراضات اخیر در اسرائیل مانند تمام اعتراضات معاصر بر علیه سیاستهای طبقه حاکم سرمایه داری در این جوامع است. این مخرج مشترک اعتراضات اخیر از تونس و مصر و لیبی و سوریه گرفته تا یونان و اسپانیا و فرانسه و انگلستان است. واکنشی به تعرض اقتصادی سرمایه داری در این جوامع است. عکس العمل مردمی است که حاضر نیستند بار بحران سرمایه داری را بر دوش بکشند. نمیخواهند قربانی سود و انباشت سرمایه در بحران و رونق و مرغ عزا و عروسی باشند. مردمی که خودشان را مسبب بحران سرمایه داری نمیدانند و حاضر نیستند که هزینه و بار این بحران را از سفره غذای خود و فرزندانشان و یا خوشی و رفاه خانواده خود و هم طبقه ای هایشان پرداخت کنند. مگر سرمایه در دوران رونق سهمی بیشتر از دستمزد ناچیز کارگر به او میپردازد؟ این مردمی که در ابعاد صدها هزار نفره به خیابان آمده اند از وضع موجود خسته اند. این اعتراضات در حال حاضر عمدتا بر علیه سیاست

پیامدهای سیاسی بحران سرمایه داری ...



می آیند و خواهان سرنگونی رژیم بشار اسد میشوند. رژیم اسلامی در کنار دستگاه پلیسی رژیم اسد به سرکوب این مردم مشغول است. تحولات در سوریه چه نقش و جایگاهی در تحولات خاورمیانه خواهند داشت؟ مخاطرات پیشا روی مردم در این مبارزات کدام است؟ آیا دول غربی در تلاش برای دخالتگری در این تحولات و عقیم کردن اعتراضات دست به اقدام نظامی خواهند زد؟

سیاوش دانشور: قیام توده ای و قهرمانانه در سوریه گوشه ای از روند انقلابی در خاورمیانه و شمال آفریقا است. آنچه که سوریه را در قیاس با دیگر اعتراضات کشورهای منطقه متمایز میکند، مقاومت و جسارت بی نظیر مردم در مقابل سرکوب وحشیانه و بشدت خشن حکومت است. رژیم بشار اسد سوریه را به یک قصابخانه تمام عیار تبدیل کرده است اما فریاد "الشعب یرید اسقاط النظام" هر روز بلند تر میشود. تاریخ کمتر قیام و انقلابی را در حافظه خود ثبت کرده است که مردم با دست خالی در مقابل گلوله چنین مقاومتی را نشان داده باشند. بشار اسد میدانده که رفتنی است، راه بازگشتی وجود ندارد، اصلاحات و وعده اصلاحات دو ماه قبل هم دیر شده بود. لذا این جنگ برای حکومت بشار اسد جنگ آخر است درست مانند حکومت صدام حسین در عراق. حزب ما زمانی که موج انقلابی تازه در تونس شروع و بارقه هایش به مصر رسیده بود، اعلام کرد که این دیکتاتورها و از جمله مبارک ها و قذافی ها و بشار اسد ها رفتنی اند.

تحولات در سوریه بنا به جایگاهش در صفتبندی های سیاسی منطقه ای و جهانی از اهمیت بالا و استراتژیک برخوردار است. سوریه تنها متحد جمهوری اسلامی است. سوریه پلی است که جریانات اسلام سیاسی در منطقه و مشخصا در لبنان و فلسطین را تغذیه و زنده نگاه میدارد. سقوط سوریه به معنای سقوط یک پایگاه مهم منطقه ای جمهوری اسلامی، زمینگیر شدن حزب الله لبنان و چرخش معادله سیاسی در فلسطین خواهد بود.

سقوط سوریه یک ستون اساسی اسلام سیاسی و نیروهای متفرقه تروریستی را فرو میریزد. این موضوع در چهارچوب استراتژی آمریکا و غرب و در متن جدال تروریسم بین المللی اهمیت حیاتی دارد. اسرائیل میتواند در جبهه سوریه نفس راحتی بکشد و ترکیه فرصتی پیدا میکند تا قدرت منطقه ای خود را تحکیم کند. ائتلاف کشورهای عربی و در راس آنها عربستان نیز در روند کنونی و سقوط حکومت بشار اسد و تحمیل شکست بزرگی به ائتلاف جمهوری اسلامی- حکومت بشار اسد- حزب الله- حماس ذینفع و جانبدارند. سقوط حکومت سوریه اگرچه در گام اول اسلام سیاسی و جناح ضد آمریکائی آنرا تضعیف میکند اما با کمک ترکیه و عربستان و با اتکا به دستگاه ایدئولوژیک دمکراسی قبیله ای به جریان اسلامی پرو غربی پر و بال خواهد داد. سقوط حکومت سوریه در عین حال فاکتورهای زیادی را تغییر میدهد. سکولارها در لبنان تقویت میشوند. جریان اسلامی در فلسطین ناچار است امتیازات بیشتری بدهد و به روند صلح و تشکیل دولت فلسطینی و برسمیت شناسی اسرائیل عملا بچرخد. جریانات تروریستی در منطقه که توسط حکومت های سوریه و ایران هدایت و تغذیه میشوند ضربه مهلکی خواهند خورد. سقوط حکومت سوریه به جدال جناح های رژیم اسلامی دامن میزند و به خط طرفدار سازش با غرب میدان خواهد داد. مهمتر، برای مردمی که در کمین رژیم اسلامی اند، سقوط حکومت سوریه و حاشیه ای شدن حزب الله لبنان و روند صلح در فلسطین، به معنای پیش در آمد و تخته پرشی برای سقوط حکومت اسلامی در

ریاضت کشی اقتصادی سرمایه است. اما مضمون این اعتراضات بسیار فراتر از شکل بروز آن است. گوشه ای از یک مبارزه طبقاتی همه جانبه است. میتواند به سرعت کل سیستم را مورد تعرض قرار دهد مشروط بر آنکه کمونیسم کارگری بتواند در این اعتراضات نمایندگی شود و پرچم مستقل طبقه کارگر برای خلاصی از این وضعیت نابهنجار اقتصادی و اجتماعی را نمایندگی کند.

۳- نکته قابل توجه در عین حال این است که با گسترش سلطه سرمایه بر مقدرات و شئون جامعه، ما شاهد اعتراضاتی در جوامع مختلفی هستیم که دارای خصلت مشترک طبقاتی و ضد سرمایه داری اند. این واقعیتی است که در آینده به طور مشخص تأثیرات قابل ملاحظه ای بر مبارزه سیاسی و اجتماعی طبقه کارگر علیه سرمایه در سطح جهان و در جوامع مختلف خواهد داشت. آیا بسادگی قابل تصور بود که توده های مردم کارگر و زحمتکش در مصر و تونس و یمن و لیبی و سوریه همزمان یا به میدان مبارزه بگذارند؟ آیا بسادگی قابل تصور بود که مردم در یونان، فرانسه، انگلستان، اسپانیا در ابعاد چند صد هزار نفره اعتراض کنند و اعلام کنند که حاضر نیستند بار بحران سرمایه را بر دوش بکشند و نمیخواهند هزینه بحران سرمایه را بپردازند؟ این واقعیت یعنی گسترش جهانی شدن سرمایه تأثیرات بسزایی بر مبارزات سیاسی در جوامع خواهد گذاشت. یک رکن این تحولات نزدیکی و همبستگی بیشتر مبارزات کارگر و مردم ستمدیده علیه وضع موجود است. این واقعیتها را باید برسمیت شناخت و آن را مبنای پیشروی و گسترش مبارزه سوسیالیستی کارگری علیه سرمایه قرار داد.

۴- اعتراضات توده های مردم زحمتکش در اسرائیل در عین حال موقعیت دیگری به تخصصات دیرینه و تاریخی در این منطقه بحران زده میدهد. زمانی که مردم اورشلیم و تل آویو فریاد میزنند، بعد از بن علی و مبارک نوبت ننتیاهو است، دارند خط بطلانی بر تمام تبلیغات کثیف و شنیع ناسیونالیستی و مذهبی ای میکشند که این مردم را بخش بخش میکند، و هویت های کاذب و دروغین مسلمان و یهودی و عرب و اسرائیلی بر پیشانی شان الصاق میکند. و این تازه آغاز بیداری عمومی و خیزش توده های مردم در این جوامع است. این اعتراضات میتواند با گسترش خود به سرعت تلاش زهر آگین تاریخی ناسیونالیسم یهود و عرب و اسلامیستی را خنثی کند. اگر حل مساله فلسطین و تشکیل کشور مستقل و متساوی الحقوق فلسطین یک رکن تعیین کننده پایان دادن به تخصصات دیرینه در خاورمیانه است، واقعیتی که میتواند شرایط سقوط و نابودی اسلام سیاسی را فراهم کند، اعتراضات مردم اسرائیل میتواند جریانات دست راستی و ناسیونالیسم قوم پرست این جامعه را تحت فشار بسیار و تعیین کننده ای قرار دهد. این دو رکن مبارزه لازم و ملزوم یکدیگرند. هم راست و ارتجاع قومی و مذهبی را در اسرائیل باید پس زد و هم ارتجاع اسلامی و ناسیونالیستی در فلسطین و جهان عرب. همبستگی توده های مردم این منطقه یک فاکتور مهم در حل تخصصات تاریخی در این منطقه است.

یک دنیای بهتر: مردم معترض در سوریه هر هفته در ابعاد گسترده ای به خیابانها

پیامدهای سیاسی بحران سرمایه داری ...



این سناریو در سوریه وجود دارد. چنین امری باعث میشود که مردم سوریه، مانند لیبی، از صحنه سیاست قیچی شوند و نیروهای متفرقه ارتشی و اسلامی و ناسیونالیست پرو غرب زیر پوشش حمایت نظامی و سیاسی ناتو میداندار شوند. با خط تبلیغاتی ارتجاعی که رسانه ها تحت عنوان "اکثریت سنی" در مقابل "اقلیت علوی" پمپاز میکنند، این خطر وجود دارد که اینبار پاکسازی قومی و مذهبی را اسلاميون نوع اخوان المسلمین و عبدالحلیم خدام ها بعهده بگیرند. این خطر را تنها تداوم جسارت و انقلابیگری مردم سوریه برای بزیر کشیدن بشار اسد و حکومتش و شکستن نقطه سازشهای است که جریانات بورژوائی در حکومت و اپوزیسیون در مقابل مبارزه انقلابی قرار میدهند.

یک دنیای بهتر: جهان سرمایه داری در بحران عمیقی بسر میبرد. یکبار دیگر همه از بحران اقتصادی و وخامت اوضاع صحبت میکنند. صحبت از این است که پرتقال، اسپانیا و ایتالیا در آستانه ورشکستگی قرار دارند. سیاست ریاضت کشی اقتصادی با اعتراضات گسترده ای مواجه شده است. چه چشم اندازهایی در مقابل جامعه بشری قرار دارند؟

جلیل بهروزی: این يك واقعیتی که امروز هیچ کس نمیتواند آن را کتمان کند. خود تحولات جامعه، بار سنگین بحران اقتصادی که طبقه سرمایه دار در تلاش است تا بر دوش کارگران و اقشار فقیر جامعه خالی کند، ورشکستگی اقتصادی کشورهای سرمایه داری غربی، سیاست ریاضت کشی اقتصادی و جنب و جوش جامعه برای مقابله با تهاجم دولت و احزاب سرمایه داری به حیات و ممانشان، جوامع را در اقصی نقاط جهان بسمت يك دو قطبی آشکار میبرد. توحش سرمایه از يك طرف و سربر آوردن بردگان مزدی از طرف دیگر. بطور قطع جنگ طبقاتی امروز در شکل آشکار خود در جریان است. و این بواقع يك جنگ است. دیروز یونان و فرانسه، بعد شمال آفریقا، مصر،

یمن و لیبی و سوریه و بعد انگلیستان و فردا هم به احتمال قریب به یقین ایتالیا و اسپانیا. دنیا بر سر يك بزننگاه عظیم قرار گرفته است. این شرایط را میتوان با دوران جنگ جهانی اول و دوم مقایسه کرد. چشم اندازی که در مقابل جامعه بشری قرار گرفته است یا بربریت سرمایه است و یا سوسیالیسم. راه سومی وجود ندارد و بطور قطع تا آنجایی که به انتخاب طبقه سرمایه دار و مسلط جامعه برمیگردد چشم اندازی غیر از سقوط و قهقرا و دنیایی تیره در مقابل بشریت نخواهد بود. اما انسان قرن بیستم و یکم و طبقه کارگر دست و روی دست نگذاشته تا استثمارگران و الیت جامعه سرنوشتشان را رقم بزنند. و این چیزی است که دولتها و احزاب حاکم را بیش از هر چیزی به وحشت انداخته است. زوزه کامرن، نخست وزیر انگلستان پس از شورش گرسنگان، حاشیه نشینان و منکوب شدگان تاتنهام و بدنبال آن دیگر شهرهای انگلستان حاکی از قدر قدرتی نیست، بیش از هر چیز بیان استیصال و زبونی دولت دست راستی این جناب است.

هر چند که شرایط بیش از هر زمانی برای شکل گیری تحولات عظیم به نفع کارگر و گرسنگان جهان فراهم است اما چشم انداز سوسیالیسم خود بخود به افق جامعه بدل نمی شود. اگر بر بستر جنگ جهانی اول جنبش سوسیالیستی آنچنان قدرتمند بود که توانست در کشور عظیمی چون روسیه که به مرکز ارتجاع سیاه اروپا معروف بود، بورژوازی را به زیر کشد، اما جنگ جهانی دوم بدلیل شکست

ایران ترجمه خواهد شد. بطور خلاصه، جریانات افراطی درگیر در مسائل منطقه از نیروهای دست راستی و جنگ طلب در اسرائیل تا نیروهای اسلام سیاسی در ایران و منطقه موقعیت شان تغییر میکنند. برخی از این عوامل به نفع نیروهای انقلابی و خواهان تغییر در منطقه عمل میکنند. مخاطره جدی بمیدان آوردن میلیتاریسم و ماشین نظامی غرب، تبدیل تحولات سوریه به جنگ داخلی و منطقه ای برای حفظ نیروهای است که در رویداد سقوط حکومت بشار اسد افق سیاسی شان بدرجه زیادی کور میشود.

امکان دخالت نظامی در سوریه توسط ناتو زیاد است. ارتش شکاف برداشته است، نیروی اپوزیسیون بورژوائی مورد حمایت غرب وجود دارد، کشتارهای وسیع و حتی استفاده از نیروی دریائی برای سرکوب و واکنشهای جهانی، همه زمینه ساز تسریع این سناریو اند. در میان کشورهای منطقه که با موج خیزشهای توده ای روبرو شده اند، سوریه تنها کشوری است که امکان تکرار سناریوی لیبی در آن زیاد است. دلیل این موضوع نه فقط تلاش آمریکا و ناتو برای شکل دادن به آینده سوریه بلکه موقعیتی است که سوریه در معادلات منطقه ای دارد. ما بر این نکته در همان آغاز تحولات در سوریه بعنوان یک خطر تاکید کردیم و امروز زمزمه های آن توسط آمریکا و عربستان شروع شده است و ترکیه عملا بعنوان جبهه اول این سیاست عمل میکند. برگزاری کنفرانسهای جریانات موسوم به اپوزیسیون سوریه در ترکیه و تلاشهای فعال دیپلماتیک ترکیه موبد این امر است. اگر تاکنون دخالت نظامی در دستور قرار نگرفته است تنها میتواند به تاخیر افتادن سقوط قذافی در لیبی باشد. با سقوط قذافی، که بنظر میرسد نزدیک است، و حتی شاید قبل از آن، امکان تکرار

از موضع مردم کارگر و زحمتکش در منطقه و کشور سوریه مسئله متفاوت است. مردم انقلابی ای که علیه حکومت کودتائی و موروثی و بعضی اسد ها بپا خواسته اند، آزادی و برابری میخواهند. برای این اردو و بشریت پیشرو در جهان سقوط یک حکومت آدمکش و جنایتکار بسیار شیرین است و حس همبستگی جهانی با مردمی که هر روز در مقیاس وسیع کشتار میشوند بیش از هر کشوری است.

هنوز صحنه سیاسی سوریه مبهم است. آنچه که رسانه ها بعنوان اپوزیسیون مطرح میکنند، ائتلافی از نیروهای موسوم به "سنی" اخوان المسلمین و بخشهایی از ارتش تازه اپوزیسیون شده و محافل ناسیونالیستی است که تماما چشم امیدشان را برای رسیدن به قدرت به آمریکا و ناتو دوخته اند. افرادی مثل عبدالحلیم خدام مشاور سابق حافظ اسد بعنوان "رهبر اپوزیسیون سوریه" مرتبا در بوق میشود. حزب کمونیست طرفدار روسیه (حزب برادر حزب توده) و ناسیونالیستهای سوری حاشیه حکومت تاکنون مدافع "اصلاحات

پیامدهای سیاسی بحران سرمایه داری ...

انقلاب اکتبر و غلبه سوسیالیسم بورژوازی اساسا به قدرت گیری هر چه بیشتر آلترناتیو سرمایه داری دولتی منجر شد. این بار نیز اگر طبقه کارگر و کمونیسم کارگری نتواند يك قطب سوسیالیستی قدرتمند را شکل دهد دنیا هر چه بیشتر به قهقرا، سراسیمگی و توحش ضد انسانی خواهد رفت. اگر بورژوازی بخاطر فشار انقلاب کارگری در روسیه و جنبشهای قدرتمند کارگری و سوسیالیستی پس از هر دو جنگ جهانی مجبور به رفرمهای وسیع اجتماعی شد، این بار اگر طبقه کارگر و کمونیسم کارگری به مثابه يك نیروی قوی به میدان نیاید، بورژوازی نه تنها تنه آن اصلاحات رفاهی و سیاسی را پس خواهد گرفت بلکه جامعه بشری را چند گام هم عقب تر، یعنی به دوران ماقبل انقلاب کارگری روسیه، خواهد راند.

برای بدل شدن کمونیسم کارگری به قطب اصلی چپ جامعه کنار زدن سوسیال دمکراسی، رفرمیسم و تریدیونیزم بعنوان موانع اصلی سر برآوردن يك جنبش انقلابی - سوسیالیستی در درون طبقه کارگر امری حیاتی است. اگر تا دیروز نقد و افشای دمکراسی و ناسیونالیسم بعنوان دو جنبش اصلی بورژوازی از ملزومات قدرت گیری کمونیسم کارگری بود، امروز نه از دمکراسی پشم و پيله ای باقی ماند و نه از ناسیونالیسم. این دو جریان در سیر تحولات اخیر چه در خاورمیانه و شمال آفریقا و چه در خود کشورهای سرمایه داری پیشرفته مورد تهاجم جنبشهای ضد فقر، ضد دیکتاتوری و ضد سرمایه داری بودند. آن چه که امروز کمونیسم کارگری را میتواند بر مصدر چنین جنبشهایی قرار دهد، ایجاد اعتماد به نفس در میان طبقه کارگر، بعنوان طبقه ای که میتواند جامعه را از فقر، استثمار، سرکوب و بی حقوقی خلاصی دهد، به میدان آوردن این طبقه بعنوان رهبر و هدایت کننده مبارزات کل جامعه بر علیه سرمایه داری است. و این تنها میتواند با نقد و زدن رفرمیسم، سوسیال دموکراسی و تریدیونیزم امکان پذیر گردد. خود سوسیال دموکراسی امروز نیروی تهاجم به کارگر و اقشار فقیر جامعه است، سندیکاها به عینه نه تنها نمیتوانند مقاومتی را سازمان دهند بلکه خود به عامل بازدارنده مبارزات کارگران بدل شده اند. جامعه در بزنگاهی قرار داده شده است که مسائل اش در چهارچوب رفرم پاسخی نخواهد گرفت. نه بورژوازی توان رفرم را دارد و نه تمایلی بدان و این زمانی است که کمان جنبش کارگری در حصار سوسیال دمکراسی و رفرمیسم گرفتار است.

امروز کمونیسم کارگری هر چند از نظر سازمانی نیروی کوچکی را شکل میدهد ولی باید بتواند آرایش تعرضی بخود گرفته و در درون طبقه کارگر این روحیه را تقویت کند. اتخاذ شیوه های تعرضی، میلیتانت و سلبی مبارزه امروز میتواند کمونیسم کارگری را به رهبر مبارزات طبقه کارگر و جامعه تبدیل کند. کمونیسم کارگری باید به نیروی نه جامعه به وضع موجود بدل شود. *

کارگران شرکت جلوه گاه ساخت رویا یا کاهش دستمزدها یا اخراج!

بنا به خبر دریافتی و در ادامه سیاستهای ضد کارگری سرمایه داران، در شرکت ساختمانی جلوه گاه ساخت رویا، بیش از 40 نفر از کارگران این مرکز در معرض تهدید کاهش دستمزدها و یا اخراج از کار قرار گرفته اند. اخیرا کارفرما به کارگران اعلام داشته است به دلیل عدم پرداخت طلبهایمان از جانب اداره گاز و مراکز حکومتی و با توجه به مشکلات روز افزون اقتصادی، اگر اوضاع بر همین منوال باشد در آینده بسیار نزدیک شرکت قادر به ادامه کاری نخواهد بود. به همین دلیل بایستی تعدادی از کارگران اخراج شوند و آن دسته از کارگران که در سر کارشان باقی میمانند باید بطور اجباری 10 درصد کاهش دستمزدهای ماهیانه شان را بپذیرند. در غیر اینصورت شرکت مجبور به اخراج این دسته از کارگران خواهد شد.

یکی از کارگران میگفت: قانون وحشیانه جنگل و حکومت اسلامی همین است که آقایان میگویند. دستمزدهای 327 هزار تومانی را به ما کارگران تحمیل نموده اند که به قول آمار همین حکومت دزد چندین برابر زیر خط فقر است. از آن طرف هم با سیاست حذف یارانه اصلا معلوم نیست این گرانی و تورم سرسام آور به کجا میخواید سر بکشند؟ با ماهی 300 هزار تومان در ازای کار از بردگی بدتر صبح تا شب، با افزایش همه هزینه های زندگی و هزار و یک مصیبت دیگر، تازه به فکرشان افتاده که ده درصد یعنی ماهی 30 هزار تومان از همین دستمزدهای چندرغازمان را هم بالا بکشند! از این هم بدتر همین قانون ضد کارگری را که توسط حکومت سرهم بندی شده و به استناد به آن سرمایه داران همه انواع جنایت و حق کشی را به ما و خانواده هایمان تحمیل کرده اند میخواهند "اصلاح" کنند. از قرار اشتباهی حضرات بیشتر از این حرفهاست و میخواهند بیش از اینها خون ما را بمکنند. میدانید، از این حکومت هر جنایت و دزدی و کثافتی بر می آید جز رسیدگی به حق و حقوق و زندگی و رفاه کارگر و خانواده اش. در ادامه سیاست حذف سوبسیدها و ورشکستگی بسیاری از مراکز صنعتی ریز و درشت، بستر مناسبی برای سرمایه داران طفیلی فراهم شده تا بیش از پیش به حداقل های زندگی و کار و معیشت کارگران حمله ور شوند. ساعات و شرایط کار را وحشیانه تر اعمال کنند، قراردادهای مسخره و بی اعتبار کار را مسخره تر و بی اعتبارتر نمایند، دستمزدها را بیش از پیش کاهش دهند تا شاید بتوانند حکومت ضد کارگری شان را نجات دهند.

شرکت ساختمانی جلوه گاه ساخت رویا با بیش از 40 نفر کارگر با قراردادهای سفید امضا یکطرفه و 6 ماهه و دستمزدهای 327 هزار تومانی و ساعت کاری از اول صبح تا آخر شب! و همه ایام تعطیل، مجری و سازنده انواع پروژه های ساختمانی در تهران و قم میباشد. دفتر مرکزی شرکت در خیابان جنت آباد تهران واقع است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۳ مرداد ۱۳۹۰ - ۱۴ اوت ۲۰۱۱

کتاب کنترل کارگری را

از سایت حزب دریافت

و توزیع کنید!



ورشکستگی دارد. این وضعیت باید تغییر کند. عقب نشینی و سکوت در برابر دولت های اروپایی به معنی عقب رانده شدن نرم های زندگی و چشم انداز فقر و فلاکت و بدبختی بیشتر است. باید با اتکا به جنبش اجتماعی و کارگری در مقابل این سیاست های ویرانگر ایستاد. باید پرچم انقلابات کارگری قرن بیست و یکم در اروپا و دنیای سرمایه داری را به اهتزاز در آورد! *

بحال آماری بالغ بر 56 درصد از شهروندان اروپایی بعنوان مثال در هلند زیر قرضهای سنگین بالای 10 هزار یورو زندگی می کنند و خود رسانه ها و کابینه هشدار بی خانمانی و بی حقوقی بیشتر شهروندان، آنها در هلند که "جزیره ثبات اقتصاد اروپا" بود، را میدهند! حالا مردم بی پول و طبقه کارگر بیکار و در معرض بیکاری هزینه چپاول را هم باید بدهند. این به معنی چپاول در چند شیفیت است.

مسلم اگر سکان این وضع به دست سران سرمایه دار اتحادیه اروپا باشد سیاستشان خالی و خالی تر کردن جیب مردم به اسم "راه حل بحران" و پرتو کردن بانکهای مرکزی و رواج بازارهایشان است. مسلما سرمایه داری در حالت عادی شکل یک موجودیت مفتخور و انگل دارد حال چه برسد به شرایطی که بحران عمیق و

آمار رکود اقتصادی سرمایه در اروپا:

22 میلیارد یورو ضرر در یک هفته!

فرشاد مجد

2010 بانک مرکزی فرانکفورت در آلمان شروع به خرید اوراق قرضه کرد و در عرض یک هفته 16 میلیارد و نیم یورو اوراق قرضه را خرید و تا بحال در کل 92 میلیارد یورو این اوراق را خریده است. ولی این اوراق قرضه که قرار بود در عرض 10 سال 4 درصد سود بدهد، با احتساب میانگین بازار اروپایی در کل 22 میلیارد یورو، یعنی چیزی حدود 17.2 درصد ضرر داده است. وزیر مالیه ایتالیا ترمونتی و سارکوزی و مرکل که از استقبال کنندگان و معرفین این طرح بودند و میلیاردها یورو نتیجه شکست طرحشان بود، روز قبل در پاریس جلسه فوق العاده برقرار کردند. قبل از پایان این بند باید بگویم که ضررهای حاصله نتیجه سیاست های "نجات" سران اتحادیه اروپا ده ها بار بیشتر از کل وام هایی است که به یونان و ایرلند و پرتغال داده شده است که صد البته این وام ها خود نوعی بدهکار کردن مردم این کشورها برای گرفتن سودهای سنگین مالی در عرض 50 سال و به ورشکستگی کشاندن این کشورها بوده است.

اتحادیه اروپا در عرض هفته گذشته به دلیل رکود اقتصادی در واحدهای تولیدی و شکست عملی بنیادها و کارتل های مالی 22 میلیارد یورو در یک هفته ضرر داد. اتحادیه اروپا و نماینده دولت های اروپایی شب و روز برای پیدا کردن راه حل تز و تئوری می دهند اما هیچ کدام نه تنها افاقه ای نکرده بلکه ذره ای از گسترش بحران نتوانسته جلوگیری کند. فرق بحران حاضر سرمایه داری با بقیه بحران ها در دو چیز است: اولاً این بحران خصلت گسترش یابنده دارد و در مرحله خاصی متوقف نمی شود. ثانیاً در بحرانهای پیش از این بنیادهای مالی با ارائه سیاستهای نوین می توانستند از دل بحران بیرون بیایند اما دوره اخیر دوره شکست و در هم کوفته شدن بنیاد های مالی سرمایه است. در این مقاله نگاهی به رنوس این سیاستهای اقتصادی می اندازیم و اینکه چطور خود این سیاستها نشان داده اند که راه حلی برای بحران نیستند و بقای سرمایه داری به کابوسی برای سرمایه داران بدل می شود!

بازار اوراق قرضه و اجتماعی کردن قرض ها

هفته گذشته بانک مرکزی اروپا سیاست خرید اوراق قرضه را پیش کشید و نوید داد که دولت ها با فروش اوراق قرضه به بانک مرکزی قادر به متعادل کردن بازار خواهند شد. در پی این مسئله اوراق قرضه ایتالیا و اسپانیا خریده شد و نوید این داده شد که در عرض 10 سال این دو کشور با کاهش بحران 5 و 6 درصدی روبرو شوند. دقت کنید در عرض ده سال قرار است بحران حل شود اما نتیجه مشابه همین سیاست در آلمان چیز دیگری را نوید داد. در ماه مه

اجتماعی کردن قرض ها: جامعه باید قرض ها را بدهد!

دیروز انجلا مرکل و سارکوزی به شفافیت از طرح مالیات اجتماعی برای اجتماعی کردن قرض ها خبر دادند. معنی مستقیم این جمله این است که حالا که سیاست های بانک مرکزی اروپا و حضرات سرمایه دار شکست خورده است دولت باید به جان کیف پول خالی مردم بیفتد. تا



Activestills.org

Building-size "working class" poster covering an ad during demonstration for social justice (photo: Oren Ziv/activestills)

آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپایی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>
www.m-hekmat.com/

جوانی: جرم! زن: جرم! ماهواره: جرم! زندگی: جرم!

نازنین اکبری

است.

در شرایطی که بیکاری و فقر و گرانی و تن فروشی و کلیه فروشی برای تامین اجاره خانه

بحران حکومت دم موت اسلامی هر روز بدتر از دیروز میشود. از ورشکستگی و بحران و انزوای اقتصادی و سیاسی و فرهنگی گرفته تا اختلافات و شکافهای حاد و درمان ناپذیر جناحها و باند های اوباش حکومتی، از حوادث و قیامهای بزرگی که کل منطقه خاورمیانه و شمال افریقا را تکان داده و دگرگون نموده و حالا امواج سهمگین آزادخواهی و برابری طلبی از قلب اروپا تا اسرائیل و همه جای دنیا را نشانه رفته است. و بدتر از اینها، حکومت جنایتکار و گرفتار و در سرآشوب سقوط اسد در سوریه که دیگر حالا با گذشت هر روز به راه برگشت ناپذیر و لبه پرتگاه نابودی و سقوط نزدیکتر میشود، همه این امواج و ترکشهای سرخ انقلابی عبا و عمامه آخوند - دایناسورهای مولتی میلیاردی و جانین حکومت اسلامی را هم بی نصیب نگذاشته است. بشدت ترسیده اند، با هراس و اضطراب و با دستپاچگی و دلهره و با هزار بیم بی امید نظاره گر اوضاع و سرنوشت محتومشان هستند. در کابوس مرگ و سقوط فرو رفته اند، دیگر هیچ راه و روشی افاقه نمیکند. بیش از 32 سال جنایت و قتل، اعدام و شکنجه و زندان و تجاوز و سرکوب جواب نداده است. حکومت اوباش اسلامی لخت و عور و از هم پاشیده، بحران زده و منزوی، محتضر و درمانده تر از همیشه در مقابل زندگی، در مقابل اکثریت عظیم جامعه و عاصی و به جان آمده که تشنه آزادی و برابری و رفاه هستند قرار گرفته است. دهها میلیون انسان منتظر و منزجر از اسلام و اختناق و سرمایه در کمین حکومت نشسته اند. گامهای آرام اما محکم و با ثبات و زندگی ساز انقلاب در راه است. در این میان تقلا نافرجام آخوندهای حکومتی برای بقا و ماندن دیدنی و آموزنده

بشار اسد در سوریه، بیان وحشت زندگی و درماندگی حکومت اسلامی از سقوط و سرنگونی است. ترسی که در همه جای حکومت مشهود است.

در تهران تقلاي ارزل و اوباش حکومتی هر روز دیدنی تر از دیروز میشود. آب بازی جوانان در هوای 40 درجه برای کمی خنک شدن جرم است! جمع آوری آنتن های ماهواره و جدال مردم و جوانان با حکومت ادامه دارد. در جایی به ضرب زور و تهدید و



و نان شب بیداد میکنند، در شرایطی که بعلت تلاشی و انهدام خانواده های کارگری سیل هزاران کودک به جای تحصیل و آموزش و رفاه برای کار و بهره کشی به خیابانها رانده شده اند، در شرایطی که بیش از هشتاد درصد کارگران مراکز صنعتی یا اخراج شده و بیکارند و یا دستمزدهایشان از 2 ماه تا بیش از 2 سال معوق شده، در این اوضاع و احوال بحران زده که خود نتیجه کارنامه 32 ساله فساد و جنایت حکومت اسلامی است، به دستور آخوند خامنه ای دادن 6 میلیارد دلار کمک بلاعوض به حکومت در حال سقوط

تجاوز به زندگی خصوصی مردم ادامه دارد.

در اکثر اتوبانها، بزرگراهها و میادین اصلی شهر ماموران خود فروش نیروی انتظامی مستقر هستند. اتومبیلهایی را که سرنشینان و بخصوص رانندگان آنها زن هستند متوقف نموده، سرنشینان را پیاده نموده، ماشینها را بازرسی و تفتیش میکنند. رانندگان زن را از خودرو پیاده نموده و لباس و پوشش آنها توسط گزرمگان جهل و جنایت اسلامی کنترل و تفتیش میشود. اگر غیر اسلامی باشد پلاک خودرو را از جا کنده و با تهدید و فحاشی میگویند حالا بفرما برو! در بسیاری از مناطق تهران از جمله در میدان آزادی در جنب پارک المهدی در تمام شبانه روز دهها خودرو ون پلیس به همراه ماموران ایستاده اند. راه را بسته اند. اتومبیلهایی را که راننده و سرنشینان آن جوان هستند را متوقف نموده و با توسل به بهانه های واهی و بی اساس همه چیز را تفتیش میکنند. اتومبیل ها را توقیف نموده و در بسیاری از موارد با کتک کاری و ضرب و شتم و با توسل به زور اقدام به بازداشت جوانان نموده و بسرعت از طریق خودروهای ون مجهز به شیشه سیاه پلیس ضد شورش جوانان را به نقاط نامعلوم منتقل مینمایند. علاوه بر اینها در طی ساعات روز در بسیاری از خیابانهای و شاهراههای ورودی و خروجی اصلی تهران مراکز ایست و بازرسی و تفتیش و کنترل برقرار است.

یک حکومت نظامی اعلام نشده و تمام عیار در همه جا اعمال میشود. در منظر حکومت جنایت پیشگان اسلامی، جوان بودن، زن بودن، زندگی و هر خواست و نیاز ابتدایی زندگی جرم است. تقلاي حکومت برای ایجاد فضای اربعاب و وحشت ادامه دارد. اما زنان و جوانان، کارگران و مردم عاصی و معترض، با قدرت برای یک دنیای بهتر ایستاده اند!

کارگران شرکت مخابراتی موج آسا اضافه کاری تیر ماه معوق!

بنا به خبر دریافتی، دستمزدهای مربوط به اضافه کاری تیر ماه ۹ نفر از کارگران شرکت مخابراتی موج آسا پا در هوا و پرداخت نشده به قوت خود باقی است. بابت اضافه کاری تیر ماه هر یک از کارگران بطور متوسط مبلغ ۲۰۰ هزار تومان طلبکار است اما با اینحال عوامل کارفرما از پرداخت همین مبلغ ناچیز با انواع کارشکنی طفره میروند. در چند روز گذشته "قانع" مدیر شرکت در جواب کارگران معترض گفته است: نگران دستمزدهایتان نباشید ما به فکر اجرای قراردادهای ۵ ساله با شما هستیم!!

یکی از کارگران میگفت: یک لا نرسید دو لا سراسر!! ما میگوییم برای نان شب، برای اجاره خانه، برای قرض و بدهکاری و هزار کوفت و زهرمار دیگر در این جهنم فقر و گرانی و نکبت معطل مانده ایم، آنوقت قانع میگوید به فکر قراردادهایتان هستیم تا از یکسال به ۵ سال تبدیل شود! چه محبتی، چه کرامتی! لغو کار پیمانکاری و امنیت شغلی خواست همیشگی ما بوده است اما اینها که حاضر نیستند دستمزدهایمان را بپردازند با وعده های دروغ و سر خرمن به فکر امنیت شغلی ما افتاده اند! این مزخرفات و پیاوه گویی های حضرات که از سر شکم سیری، حقه بازی و سود جویی است فقط برای فریب ما و در جهت استثمار و بهره کشی بیشتر از ما کارگران است.

شرکت پیمانکاری خدمات مخابراتی موج آسا بخش منطقه ۵ تهران با بیش از ۲۰ نفر کارگر قراردادی با قراردادهای سفید امضا و یکطرفه با سوابق کاری ۲ تا ۱۰ سال و دستمزدهای ۳۰۰ هزار تومانی و ساعت کاری از ۸ صبح تا ۵ عصر با اضافه کاری اجباری حتی در تعطیلات ارائه دهنده خدمات مخابراتی در منطقه ۵ تهران میباشد.

شرکت سرو مشرق زمین عقب نشینی کارفرما، بازگشت به کار کارگران اخراجی!

در اطلاعیه دهم مرداد ماه اعلام داشتیم ۱۰ نفر از کارگران شرکت پیمانکاری سرو مشرق زمین به دستور "سیار" مدیر شرکت از کار اخراج شده و عوامل کارفرما از پرداخت دستمزدهای تیر و ۱۰ روز مرداد ماه خودداری نموده و علیرغم تجمع اعتراضی کارگران در مقابل دفتر شرکت با خواست بازگشت به کار و دریافت دستمزدهای معوق، سیار مدیر شرکت حتی از ملاقات و رویارویی با کارگران اخراجی خودداری نموده بود. در مقابل اصرار و پافشاری کارفرما در اخراج کارگران و عدم پرداخت دستمزدها، با اینحال در طی روزهای گذشته اعتراضات کارگران اخراجی و مهمتر از این همبستگی شورانگیز کارگران شاغل در همبستگی و حمایت از کارگران اخراجی و تلاش برای بازگشت به کار آنها نتیجه داد.

در طی ۱۰ روز گذشته کارگران شاغل به نشانه اعتراض به اخراج کارگران توسط کارفرما در بسیاری موارد ارائه سرویس و خدمات کاری را از جانب خود کاهش دادند. ابتدا عوامل کارفرما کوشیدند با لجاجت و تهدید کارگران حتی با توسل به استخدام تعدادی نیروی جدید در میان صفوف متحد کارگران شکاف ایجاد نموده و کارگران را مجبور به تسلیم و عقب نشینی نمایند. اما در تمام این مدت کارگران شاغل با حفظ اتحاد صفوف خود و همچنین کاهش بسیاری از خدمات کاری خود بر بازگشت به کار دیگر کارگران اخراجی پافشاری نمودند. سرانجام در چند روز گذشته سیار و همدستانش در یک عقب نشینی و شکست مفتضحانه به ناچار در برابر صف متحد و خواستهای برحق کارگران مجبور به تسلیم شده و بلافاصله ۶ نفر از کارگران اخراجی برسر کارهایشان بازگشتند. دستمزدهای تیر ماه همه کارگران اخراجی و شاغل پرداخت شد و مهمتر از اینها در هراس از اعتراضات بیشتر کارگران عوامل کارفرما پذیرفته اند که حتی در پایان ماه دستمزدهای چند روزی را که کارگران از کار اخراج شده بودند را نیز محاسبه و پرداخت نمایند!؟

زنده باد اتحاد شورانگیز کارگران سرو مشرق زمین. آری، هر جا که اتحاد و تشکل و مبارزه باشد سرمایه داران انگل و عواملشان چاره ای جز تسلیم و عقب نشینی ندارند. تسلیم و عقب نشینی سرمایه داران و حکومتشان در برابر صف متحد ما کارگران همیشه مصلحتی و ریاکارانه است. جوهر و ماهیت اصلی سرمایه داران و حکومتهای نوکرشان ریاکاری و دزدی و سرکوب و استثمار وحشیانه ما کارگران است. چاره ما کارگران برای رهایی از فقر و گرسنگی و تحقیر و برچیدن بساط کار مزدی و برپایی دنیایی آزاد و برابر و مرفه و در شان یک زندگی انسانی، اتحاد و تشکل و مبارزه است.

بازگشت به کار فوری دیگر کارگران اخراجی، امنیت شغلی، افزایش دستمزدها مطابق با گرانی و تورم، حذف و لغو کار قراردادی و پیمانکاری، و کاهش ساعت کاری از جمله خواستهای ابتدایی کارگران سرو مشرق زمین است.

شرکت پیمانکاری سرو مشرق زمین با بیش از ۲۶ نفر کارگر که در شرایط کاری نه قراردادی و نه روزمزد هستند، فقط به کارگران گفته اند ماهی ۳۰۰ هزار تومان به شما می پردازیم! که البته از پرداخت همین دستمزد هم بیشرمانه طفره میروند، با ساعت کاری شبانه روزی در ایام تعطیل و غیر تعطیل، طرف قرارداد شهرداری منطقه ۵ تهران و ارائه دهنده خدمات مربوط به پارکها و فضای سبز میباشد. این کارگران زحمتکش از شهروندان افغانستانی بوده که عمدتاً بعلت اقامت غیر قانونی در ایران و محرومیتها و مشکلات ناشی از اقامت غیر قانونی در شرایط معیشتی و کاری بسیار سختی بسر می برند و محل زندگی جمعی آنها اتاقکهایی است که در مجاورت دستشویی پارکها در اختیار آنها گذاشته اند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۰ مرداد ۱۳۹۰ - ۱۱ اوت ۲۰۱۱

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۵ مرداد ۱۳۹۰ - ۱۶ اوت ۲۰۱۱

"آزادی"

یعنی رهایی کامل از قدرت و حاکمیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سرمایه و سرمایه داری، یعنی رهایی از کلیه روابط، مناسبات و نهادهای اسارت آور و سرکوبگر جامعه بورژوازی، یعنی رهایی از چنگال بردگی مزدی، رهایی از انقیاد طبقاتی، رهایی از سرکوب ماشین دولتی بورژوازی، رهایی از بی حقوقی سیاسی و انقیاد فرهنگی، رهایی از پیله مذهب و پندارها و قوانین و ارزش های خرافه آمیز و عقب مانده جامعه موجود، رهایی از ستم های مذهبی، قومی و جنسی، رهایی از فقر و فلاکت، جهل و خرافه و کل تبعیضات و مصائب جامعه بورژوازی.



جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید
سوسیالیسم، بدون "خطر" سوسیالیسم، به چه
منجلابی تبدیل میشود!

منصور حکمت



کارگران شرکت توسعه معادن 3 ماه دستمزد معوق!

در اطلاعیه قبلی مورخ 11/4/90 اعلام داشتیم عوامل کارفرما در شرکت ساختمانی توسعه و معادن از پرداخت دستمزدهای اردیبهشت و خرداد ماه کارگران خود داری مینماید. اما تا امروز علاوه بر 2 ماه دستمزد معوق قبلی، دستمزدهای تیر ماه نیز پرداخت نشده و تا چند روز آینده دستمزدهای مرداد ماه نیز معوق خواهد شد. در جواب اعتراضات مکرر کارگران "موسوی" مدیر شرکت و چهره منفور ضد کارگری به کارگران گفته است: شاید تا روزهای آینده بخشی از دستمزدهایتان را بپردازیم!

یکی از کارگران معترض میگفت: موسوی و شرکای کلاه بردارش خودشان را مسخره کرده اند! یکی نیست به این آقایان که هر کدام در جایی دهمشان به این حکومت و هزار کثافت کاری و دزدی وصل است، بگوید اولاً چرا بخشی از دستمزدها؟ دوماً این بخشی از دستمزدها که میخواهند بمانند صدقه کثیف اسلامی بپردازند چقدر است؟ سوماً روزهای آینده یعنی کی و کجا؟ همه این جانوران در دزدی و باند بازی خیره تر از این حرفها هستند. ما کارگران نسبت به همه چیز این حکومت جانی اسلامی سرمایه داران از قانون کار تا شرایط کارش و تا نحوه محاسبه و پرداخت دستمزدها و ... حتی تا نفس کشیدن در زیر سایه شوم و سیاه این حکومت وحشی و قاتل و مثنی جنایتکار و دزد به جان آمده ایم. ما خواهان نابودی و برچیدن بساط بخور بخور همه این بیکارگان مفتخور و ارازل و اوباش هستیم.

شرکت ساختمانی توسعه معادن با بیش از 100 نفر کارگر قراردادی با قراردادهای سفید امضا و یکطرفه و دستمزدهای 330 هزار تومانی و ساعت کاری از 8 صبح تا 5 عصر و اضافه کاری اجباری تا شب و کار در ایام تعطیل، مجری و سازنده انواع پروژه ها و مجتمع های مسکونی و اداری در سطح شهر تهران میباشد. این شرکت هم اکنون مجری احداث تعدادی از مجتمع های مسکونی در منطقه سعادت آباد است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۵ مرداد ۱۳۹۰ - ۱۶ اوت ۲۰۱۱

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!